اسم اعظم است و بر کت و این کلمات آیتی تمام نیست و لطف الهی قضای آن کرده که آیتی تمام نباشد
امام اعظم است که ابتدا بسمله در اول سوره بجهة ازدیاد یمن و برکت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ فهو ابتر بذکر آن مأمور ند و جنبه
جبه آگه بندگان در مبادی امور عظیمت ایشان بحکم آنکه کُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ مذکور کرده
و حایض بقرار آیه تامه از قرآن جایز نیست بر سبیل کره و عادت کراهت آن نیز اختلاف است پس تسمیه آیتی تمام بودی جماعت مذکوره
کارهای بزرگ که یکی از آن و منوع است از تلاوت آن ممنوع شدی حال آنکه بذکر آن مأمور بودندی و امر و منع یکجا جمع شدی پس حکمت الهی
این کلمات را بعضی ساخت از آیتی تا ایشان بطرقی در حال اقدام توانند نمود و در آنکه شما تا این نیز در قرآن یکجا جمع شده و آیتی تمام
نیست این نکته تواند بود و امید اثبات و ترک بسمله بوده دلایل و منع بر آیین بن کرد قیل و قال بسیار است و احاطه بران خبر مبطالعه کتب مبسوطه
اصولی است منوط و بر هر تقدیر از تفسیر این کلمات تا مات گزیر نیست که جز بسمله که مفتاح خزانه راز است در گنجینه قرآن باز نتوان کرد
نظم ای نام تو بهترین سرآغاز ؛ بی نام تو نامه کی کنم باز ؛ ای کارگشای هرچه هستند ؛ نام تو کلید هرچه بستند ؛ در امالی سمش الائمه آورده
که هر حرفی از بسمله ظرفیست مرحیق تحقیق را و هر کلمه معدنیست مرجوهر تصدیق را هر نقطه کوکبیست از آسمان هدایت تابان شده و هر حرفی
برجیست بر سفیدان معانی فایض گشته به برکت چهار کلمه ارکان اربعه مطرح اشعه تاثر گشته و بمیمنت نوزده حرف عالم تسعه عشر عالم افلاک
که بروج و سیاره اند با مر خالق قدیر مظهر انوار تاثیر شده شش شکل دو بزش زمین و دایره آسمان چون دو حلقه صفر نموده و دندان کلید
سر تشدید ش ابواب حیات بر ارواح مثلثه گشوده و فتحات بعثش بر تقویت قوای سبعه نفسانیه علم اعانت بر افراشته کسرات ششش نظر
فیضان بر جهات سته عالم عدمان گشاده کشش حرف با از بدایه ظهور رهروان را بشیر و نذیر داده و درجات سینش اقدام مراتب برهان
سر اسلی را بر طبق اظهار نهاده و از سرچشمه میمش رشحات برکات معانی شریعت و مواهب طریقت و معارف حقیقت بر اراضی قلوب
عرفا مترشح گشته و از چهار طره لامش عذار شاهد وجود بلوایح اولیت و لوازم آخریت و لوامع ظاهریت و لطایف باطنیت تزیین
یافته الفش از روی راستی اسرار وحدت و انوار احدیت و اطوار واحدیت را آشکارا ساخته و دایره هایش مرکز دل عشاق را از
احاطت هویت از هوای خیال ماسوی پرداخته حرف ها او که روی رحمت از در وشیست دو بار تکرار کرده برای چتر رفتان فواید
کرم موائد رزق صوری و معنوی گسترده و حا که دامن روح در کنار سید سابق بود سپردی بجهة مستحفظان ودایع زندگانی لحظه
حیات روحانی و جسمانی آورده نون نش بکرشمه ابروی عنایت اهل نوال جاودانی از افق اقبال انسانی بمرتبه طلوع رسانیده
و منادی یاش ندای جان افزای خطاب دار باستماع محافل ادب رانکتهای عجب شنوانیده و اگر مقدسان افلاک و متوطنان
سرابچه خاک هزار سال بقدم عقل و علم بادیه طلب را بپیمایند بسر منزل معرفت جزوی از صد هزار جزو از مبانی معانی او نرسند
عنقای عقل کامل اگر در هوای او ؛ طیران کند ببال تفکر هزار سال ؛ آنجا که پایه شرف و اوج عز اوست ؛ دیدن در از دو رخیالی بود محال
بسم الله کلمة سالبة للقلوب ، دافعة للکروب ساترة للعیوب مظهرة للغیوب کلمه ایست جذب جمالش باینده دلها
بجذبات فیض کامش رسانیده غمهای مکروبان استار رحمت بیکرانش پرده پوش عیب بها اسرار حکمت بی پایانش چهره گشای
عیبها شاهبازیست بلند پرواز در فضای فضائل آل قبالش مرجع بجواهر کُلّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ سرور اسرار و نور صدور ابرار برکت

این

این کلمات و سهام سنام نامه تمت عار فاز اسر بلندی بدولت تمت این سرنامت بیت ای نام خوشت راحت جانهای همه
یاد تو بود ورد زبانهای همه ؛ در تیسیر آورده که اول قلمی که قلم اعلی بر صفحه لوح محفوظ نگاشت نقش این کلمات لطافت سمات بود و چون
مبدا اکار قلم اظهار ملک علام بود بحکم نبوی نیز برین گونه شرف نفاذ یافت که هر بنده که خامه وار سر بر خط فرمان پروردگار دارد باید که منشور بنای
اعمال خود در الطغرای این نام خجسته فرجام موقع سازد تا مثال کمال فیمابش از منفعت فواید خالی نبود و بتوقیع قبول توشیح یابد امام ابن
ابو سعید احمد الحنفی در تفسیر خود آورده که بسم الله الرحمن الرحیم عنوان نامه قرآنست هر کرا رایحه فطانت بمشام فطنت رسیده از
عنوان هر کتابی بر مضمون آن اطلاع توان یافت ع رنگ رخسار خبر میدهد از سر ضمیر ؛ پس از فحوای این کتاب کریم که عنوان
آراسته بنام رحمن و رحیمست بر سعت رحمت الهی و احاطت فیض نامتناهی واقف توان گشت و اگر در عنوان ذکر جبار و قهار بودی
پیداست که حال سراسیمه حالان بوادی خطا و نسیان بکجا کشیدی و در تنگنای مجلس عدل سعید ماندی بوی از گلزار فضل کرم که شنیدی
اما چون انوار صفت رحمانیت و رحیمیت که ظاهر و باطن موجودات را فرا رسیده است از مطلع کتاب مستطاب عزه طلوع ارزانی
داشته است روشن میشود که تیره روزگاران سیاه نامه بر پرتو این سراج وهاج از ظلمت جرم و عصیان رهایی و بنور و نجات
خواهند رسید و از تاریکی بیگانگی خلاص یافته بروشنایی آشنایی خواهند پیوست بیت اگر خواهی که رسم بدعت از عالم براندازی
برافکن برقع و بنمای آن روی جهان آرا ؛ یکی از بزرگان در وقت نزع فرمود ؛ بسم الله الرحمن الرحیم بر ورقی ثبت کرده و وصیت
کرد که بعد از دفن او در دست من بنهید چون از وی استفسار کردند در جواب چنین فرمود میخواهم فردای قیامت این کاغذ
در دست گرفته بزیر عرش آیم و گویم الهی کتابی بما فرستادی و در عنوانش بذکر رحمت خود مرده دادی اینک رقم آن عنوان در دست
و بعنایت حضرت تو امید واریم که با ما بعنوان کتاب خود کار کنی قطعه ای که عنوان نامه کرمت ؛ بنده کار است خط آزادی
تیر امید بر نشانه زدیم ؛ چون برحمت نشان فرستادی ؛ ای درویش شتاب که مهمانخانه وَاللّٰهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ در
گشاده اند و مایده پر فایده قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ نهاده و مهمانان كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ را بدین کلمات میامن آیات بر سر خوان
احسان صلای استیفای لذات جاودانی در داده نظم بسم الله الرحمن الرحیم ؛ هست صلای سر خوان کریم ؛ خوان کرمت
شده آشکار ؛ کوی تو بسم الله و دستی برآر ؛ هر که بود بر سر خوان رحش ؛ به بود آغاز به بسم اللهش ؛ در ینابیع آورده که
حضرت رسالت صلعم فرموده که حق سبحانه تعالی کلمات بسمله کلام را بقلم کرم بر جبین میان عرش نوشت و انهار اربعه آب و شیر
و خمر و عسل که زبان تنزیل از آن خبر میدهد یکی از چشمه سیم بسم بیرون می آمده و دیگری از دایره های نه سیم از میانه میم رحمن چهارم
از حلقه میم الرحیم و بر قوایم عرش جریان کرده و از نسایم ریاض جبروت و لوایح گلزار لاهوت فیض می پذیره و در مقام حجب سرادقات
عرش گذشته بساحت باراحت بهشت در می آیند بزرگی فرموده است که آب سبب حیات و بقاست و منبع میم بسم واقع شده
چه بقاء موجودات و ظهور حیات ایشان بر کات صفات و حیات و اسماء الهیت و شیر که ماده تقویت و تربیت
از ماء انه روان شده بجهة آنکه تربیت اطفال بشری در مهد عهد عبودیت جز بنظر لطف الوهیت و جود نگیرد و خمر که جامعست

Copyright © King Saud University